



The geopolitical interests of the Islamic Republic of Iran affecting the country's role in power geometry

Karai Ashtiani Mohammad Reza^{1✉}

1. Corresponding author, Associate Professor of the Higher National Defense University, graduate of Strategic Military Management, Tehran, Iran. E-mail: faslnameh_dafoos@chmail.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Retrieved

25 September 2023

Received in revised form

27 November 2023

Published online

16 June 2024

Keywords:

geopolitics, geopolitical interest, geopolitical dignity, geopolitical weight, land.

ABSTRACT

Background & Purpose: The geopolitical interests of J. A. Iran are all geopolitical factors outside the country's political borders that provide national interests. The important point is that geopolitical interests can promote geopolitical prestige in such a way that, while providing national interests outside the borders, it has the least geopolitical conflict with the interests of other political actors. The fact of the matter is that geopolitics has meaning with power and power with political actors; Therefore, if geopolitical interests cause conflicts between the interests of many political actors, not only these geopolitical interests will not increase power, but may also weaken it.

In this article, Iran's cross-border interests have been investigated in order to strengthen its geopolitical status in order to help identify and explain the actual and potential capacities outside the country that can objectively and subjectively affect Iran's acting power. . The main goal of this research is to determine the country's geopolitical interest indicators in three natural, economic and political components;

Methodology: This research is applied-developmental with a descriptive-analytical research method. The statistical population of this research is 56 people according to the characteristics of the research. The data analysis method is based on structural equations.

Findings and Conclusion: The findings and results of the research indicate that the country's geopolitical interests in the natural component with 3 indicators, the economic component with 7 indicators and the political component with 8 indicators are effective in improving the geopolitical position of the country.

Cite this article: Karai Ashtiani, Mohammad Reza. (2024). The geopolitical interests of the Islamic Republic of Iran affecting the country's role in power geometry, *Military Sciences and Techniques*, 20 (67), 185-215.

DOI: 10.22034/QJMST.2024.2009560.1934



© The Author(s)

Publisher: AJA Command and Staff University

DOI: 10.22034/QJMST.2024.2009560.1934



علائق ژئوپلیتیکی ج.ا. ایران مؤثر بر بازیگری کشور در هندسه قدرت

محمد رضا قرائی آشتیانی ✉

۱. نویسنده مسئول، دانشیار دانشگاه عالی دفاع ملی، دانش آموخته رشته علوم دفاعی راهبردی، تهران، ایران.

رایانامه: faslnameh.dafoos@chmail.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

هدف: هدف اصلی این تحقیق تعیین شاخص‌های علائق ژئوپلیتیکی کشور در سه مؤلفه طبیعی، اقتصادی و سیاسی می‌باشد.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

روش‌شناسی: این تحقیق از نوع کاربردی- توسعه‌ای با روش تحقیق توصیفی تحلیلی انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق ۵۶ نفر متناسب با ویژگی‌های تحقیق از بین صاحب‌نظران انتخاب شده‌اند. روش تجزیه و تحلیل داده بر اساس معادلات ساختاری می‌باشد.

تاریخ دریافت

۱۴۰۲/۰۵/۲۸

تاریخ بازنگری

۱۴۰۲/۰۷/۰۳

تاریخ پذیرش

۱۴۰۲/۰۹/۰۶

تاریخ انتشار

۱۴۰۳/۰۳/۲۷

یافته‌ها: علائق ژئوپلیتیک ج.ا. ایران، کلیه عوامل ژئوپلیتیک خارج از مرزهای سیاسی کشور است که منافع ملی را تأمین می‌کند. نکته حائز اهمیت این است که علائق ژئوپلیتیکی می‌تواند باعث ارتقاء منزلت ژئوپلیتیکی گردد بطوری که ضمن تأمین منافع ملی در خارج از مرزها، کمترین تعارض ژئوپلیتیک با منافع دیگر بازیگران سیاسی داشته باشد. واقعیت امر این است که ژئوپلیتیک با قدرت و قدرت با بازیگر سیاسی معنا پیدا می‌کند؛ بنابراین اگر علائق ژئوپلیتیک باعث تعارض منافع بازیگران متعدد سیاسی گردد نه تنها این علائق ژئوپلیتیک باعث ارتقاء قدرت نمی‌گردد که چه بسا باعث تضعیف آن نیز گردد. در این مقاله علائق ج.ا. ایران در فرامرزها در راستای تقویت منزلت ژئوپلیتیکی آن بررسی شده است تا کمک شود ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه خارج از کشور که می‌تواند بصورت عینی و ذهنی بر قدرت بازیگری ایران مؤثر باشد شناسایی و تبیین گردد.

کلیدواژه‌ها:

ژئوپلیتیک، علائق

ژئوپلیتیک، منزلت

ژئوپلیتیک، وزن ژئوپلیتیک،

سرزمین

نتایج: یافته‌ها و نتایج تحقیق حاکی از آن که علائق ژئوپلیتیکی کشور در مؤلفه طبیعی با ۳ شاخص، اقتصادی با ۷ شاخص و مؤلفه سیاسی با ۸ شاخص بر ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی کشور مؤثر است.

استناد: قرائی آشتیانی، محمد رضا (۱۴۰۳). علائق ژئوپلیتیکی ج.ا. ایران مؤثر بر بازیگری کشور در هندسه قدرت، علوم و فنون نظامی،

۲۰ (۶۷)، ۲۱۵-۱۸۵.

DOI: <http://doi.org/10.22034/QJMST.2024.2009560.1934>



ناشر: دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران

نویسندگان.

DOI: 10.22034/QJMST.2024.2009560.1934

مقدمه

منزلت ژئوپلیتیک آن جایگاهی است که یک کشور می‌تواند با تکیه بر آن بر هندسه قدرت منطقه‌ای و جهانی بازیگری داشته باشد. برای اینکه ج.ا.ایران بتواند در مناطق ژئوپلیتیک منطقه‌ای و بین‌المللی عملاً بر فرآیندها، تصمیمات، اقدامات جمعی تأثیر بیشتری گذاشته و دیگر کشورها، اقدامات و کنش آن‌ها را نیز متأثر کند، باید از وزن ژئوپلیتیک و به تبع آن جایگاه بیشتر و برتر در میان سایر کشورهای منطقه برخوردار باشد. بنابراین ارتقاء جایگاه، موقعیت و منزلت هر بازیگری در منطقه بدون شک به میزان و توان قدرت ملی، علائق ژئوپلیتیک، وابستگی پدیده‌های رشد منطقه و فرا منطقه‌ای به فضای سرزمینی و قلمروسازی آن بازیگر در مقایسه با سایر کشورها، وابسته است؛ واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد یکی از عوامل ارتقاء قدرت ملی یک بازیگر به کسب فرصت‌های فراسوی مرزهای خود می‌باشد. لذا جمهوری اسلامی ایران جهت روی‌آوری و تأثیرگذاری به نظام‌های منطقه‌ای، مفاهیم، دیدگاه‌ها و نحوه شکل‌گیری قدرت در هندسه قدرت منطقه‌ای و جهانی باید در پی ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیک خود باشد. از طرفی یکی از راه‌های نیرو بخشیدن به مؤلفه‌های قدرت، خروج از انزوای ژئوپلیتیک است. عمده راه خروج از انزوای ژئوپلیتیک جهت ارتقاء منزلت و جایگاه ژئوپلیتیک کشور توسعه اقتصادی و تعامل با محیطی است که تأمین‌کننده علائق ژئوپلیتیکی بازیگران باشد؛ این مهم با استمرار ارتقاء قدرت ملی تحقق می‌یابد.

از سوی دیگر ارتقای قدرت ملی، با توجه به نوع، میزان، شدت و سمت‌وسوی تهدیدها، عوامل محیطی، عوامل ژئوپلیتیک، روندها، پیش‌ران‌ها، اسناد بالادستی، به نوعی متأثر از ارتقای جایگاه ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران، خواهند بود. لذا جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از کاهش وزن ژئوپلیتیک، انزوای ژئوپلیتیک و ارتقاء منزلت و جایگاه خود نیازمند به تعریف علائق ژئوپلیتیکی هستند که سیاستمداران و برنامه‌ریزان کشور با استفاده از آن بتوانند به این مهم دست یابند.

- در اهمیت تحقیق باید گفت شناخت ظرفیت‌های فرامرزی که می‌تواند تکمیل‌کننده منافع ملی بوده و گام مؤثری در جهت کمک به طراحان راهبردی باشد تا بتوانند با شناخت دقیق‌تری از عوامل ژئوپلیتیک کشور بسترهای فرصت‌آفرین و یا زمینه‌های تهدیدزا را شناسایی و نسبت به تأمین بهینه‌ی منافع ملی کشور و بهره‌گیری و استفاده‌ی مناسب از فرصت‌های موجود و کاهش تهدیدات (بالقوه و بالفعل) اقدام نمایند.

این مقاله به برداشت صحیح و اصولی از ارزیابی عوامل ژئوپلیتیکی با کارکردهای متفاوت در تأثیرگذاری وزن ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران، کمک می‌کند.

- در ضرورت تحقیق باید اشاره شود که بی‌توجهی به چنین تحقیقاتی باعث خواهد شد متناسب با توانمندی‌های ج.ا.ایران، فرصت‌هایی که در فرا مرزها می‌تواند تکمیل‌کننده منافع ملی باشند و باعث ارتقاء منزلت کشور گردد شناخته و کسب نشوند.

بنابراین هدف اصلی این مقاله تعیین علائق ژئوپلیتیکی است که بر بازیگری ج.ا. ایران در هندسه قدرت پیرامونی و منطقه‌ای تأثیرگذاری دارد. متناسب با این هدف سؤال تحقیق عبارت خواهد بود از مؤلفه‌ها و شاخص‌های علائق ژئوپلیتیکی ج.ا. ایران مؤثر بر قدرت بازیگری کشور در هندسه قدرت جدید کدامند؟ متغیر مستقل تحقیق: مؤلفه‌ها و شاخص‌های علائق ژئوپلیتیکی و متغیر وابسته: هندسه قدرت.

مبانی نظری و پیشینه‌های پژوهش

مبانی نظری

تعریف ژئوپلیتیک: ژئوپلیتیک عبارت است از علم مطالعه روابط متقابل عناصر جغرافیا، سیاست و قدرت و کنش‌ها و نتایج ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر (حافظ‌نیا، ۱۴۰۱: ۳۸). جغرافیا در سه حوزه فضا، محیط و انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در حوزه فضا؛ تعامل‌های فضایی، حوزه‌های نفوذ، سیستم‌ها و ساختارهای فضایی مورد نظر هست. در حوزه محیط؛ ویژگی‌ها و عوامل محیط طبیعی و مصنوعی (انسان زده) مانند: فضا، موقعیت، وسعت و الگوی پخش منابع، اقلیم، آب‌و‌خاک، ساخت‌های اقتصادی و معیشتی، سکونت‌گاه‌ها و غیر آن مورد توجه می‌باشد. در حوزه انسان‌ها؛ ویژگی‌ها و کارکردهای گروهی، مانند ویژگی‌های مردم‌شناسی، فرهنگی، روانشناسی اجتماعی، جمعیتی، سطح توسعه‌یافتگی، اخلاقیات و روحیات، عقاید و تمایلات عمومی، ترکیبات و روابط اجتماعی و غیر آن در ارتباط با گروه‌های بومی و ساکن مورد توجه هست (همان).

عامل ژئوپلیتیک: هرگاه عوامل یک واحد جغرافیایی با مؤلفه‌های قدرت (مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و نظامی) برخورد نماید، تعاملاتی حاصل از این برخورد ایجاد شده که به صورت کنشی و واکنشی، این تعاملات بر سیاست‌ها، راهبردها، برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های یک منطقه یا کشور اثر خواهد گذاشت. که به آن عامل ژئوپلیتیک می‌گویند» (بیک‌بیلندی و سیاری، ۱۳۹۸: ۳۷)؛ یا به عبارتی دیگر، عامل ژئوپلیتیک به آن دسته از عوامل جغرافیایی گفته می‌شود که در برخورد با مؤلفه‌های قدرت بر سیاست‌ها، راهبردها، برنامه‌ها و تصمیم‌گیری بازیگران مؤثر هستند (همان).

تعریف وزن: وزن ژئوپلیتیکی عبارت است از ثقل نیروها و عوامل مثبت و منفی مؤثر در قدرت ملی یک کشور. به عبارتی، وزن ژئوپلیتیکی جمع جبری عوامل قدرت ملی نیروها و عواملی چون بدهی‌های خارجی، شیوع بیماری‌های واگیردار، فقر، بیکاری، بی‌سوادی، بلایای طبیعی و غیره را شامل می‌شود (فرانکل، به نقل از بیک‌بیلندی ۱۳۹۵: ۴۷).

منزلت ژئوپلیتیک: منزلت (جایگاه) ژئوپلیتیک از وزن ژئوپلیتیک (حاصل برآیند نیروها و عوامل مثبت و منفی در قدرت ملی است) حاصل می‌گردد. هرچقدر وزن ژئوپلیتیک یک کشور بالاتر باشد

منزلت و اعتبار عمومی آن کشور بین سایر کشورها اعم از بزرگ‌تر، هم‌تراز یا کوچک‌تر بیشتر می‌شود و هراندازه اعتبار و منزلت افزایش یابد همان اندازه فرصت‌های جدید قدرت مرئی یا نامرئی برای اثرگذاری عینی و ذهنی بر فرآیندها، تصمیم‌سازی‌ها، اقدامات و رفتارها در مقیاس‌های مختلف محلی و ملی، منطقه‌ای و جهانی فراهم می‌آید و کشور می‌تواند به تدریج در جایگاه مدیریت و رهبری فرآیندها و کنش‌های جمعی قرار گیرد و نقش سیاسی و بین‌المللی محوری ایفا کند. ژئوپلیتیسین‌ها این فرایند را منزلت (جایگاه) ژئوپلیتیک تعریف می‌کنند (صفوی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۷).

سرزمین^۱: بخشی از فضای سطح زمین که توسط فرد، گروه انسانی و یا یک دولت به تصرف درآمده باشد. در ارتباط با دولت مستقل مفهوم سرزمین با حاکمیت و کنترل قانونی همراه با مرزهای مشخص پیوند می‌خورد. سرزمین فضای جغرافیایی است که با تصوراتی از قدرت، تسلط و مالکیت آمیخته است (Jones, 2019: 175).

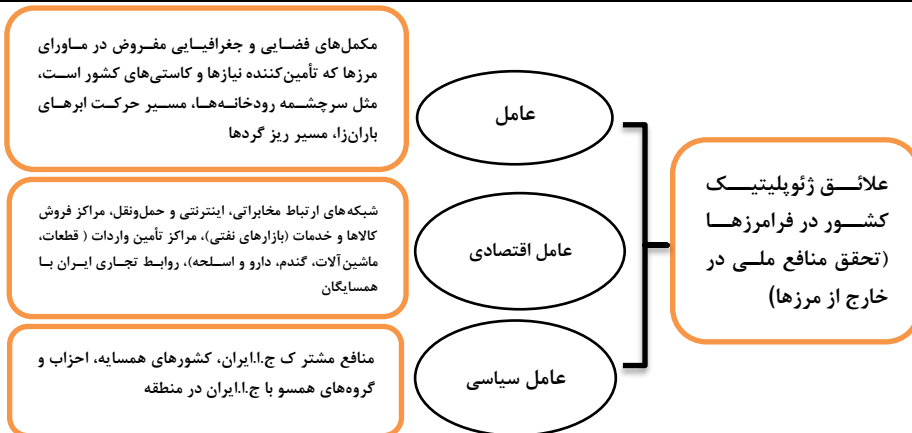
هندسه قدرت: واژه هندسه قدرت برای اولین بار توسط مقام معظم رهبری (مدظله العالی) مطرح شده است. و امروزه در محافل علمی به معنی تعیین نقش برای یک کنشگر در فضای فراملی یک سرزمین تعریف شده است (صفوی و همکاران: ۱۴۰۰: ۶۴).

علائق ژئوپلیتیک: منظور از علائق ژئوپلیتیک آن دسته از عوامل ژئوپلیتیکی که در خارج از مرزها تکمیل‌کننده منافع ملی است. به تعبیر دکتر حافظ‌نیا علائق ژئوپلیتیک عبارت است از: مکمل‌های فضایی و جغرافیایی مفروض در ماورای مرزهای کشورها که به لحاظ ساختاری از تجانس برخوردار بوده و به لحاظ کارکردی تأمین‌کننده نیازها و کاستی‌های آن‌ها محسوب می‌گردد. تعلق ژئوپلیتیک به نوعی زیربنای علائق و منافع ملی کشورها را تشکیل می‌دهد و ناظر بر مواردی هست که به مثابه عامل قدرت و یا فرصت، یا با تمام یا بخشی از خصیصه‌های طبیعی و انسانی کشور تجانس و همگونی دارند و یا دارای ماهیت کارکردی هستند که تأمین‌کننده احتیاجات کشور در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری، ارتباطی، فرهنگی، اجتماعی، دینی، علمی، فناوری، نظامی، امنیتی، حیثیتی یا زیست محیطی است و کشور به آن‌ها دلبستگی و علاقه دارد (حافظ‌نیا، ۱۴۰۱: ۱۵۶).

چارچوب نظری تحقیق

با اقتباس از پیشینه‌های تحقیقات ذکرشده و مبنا قرار دادن نظر اولاخ مایر علائق ژئوپلیتیک مؤثر بر قدرت بازیگری کشور هندسه نوین در سه مؤلفه ژئوپلیتیکی طبیعی، اقتصادی و سیاسی مورد بررسی قرار گرفته و چارچوب نظری این تحقیق برابر شکل ذیل خواهد بود.

¹ Territory



شکل (۱) چارچوب نظری تحقیق

الف) عامل طبیعی

۱- مکمل‌های فضایی و جغرافیایی مفروض در ماورای مرزها، تأمین‌کننده نیازها و کاستی‌های کشور است.

۱) سرچشمه رودخانه‌های مرزی ایران

از مجموع ۱۵۵۸ رودخانه ایران، ۸۹ رودخانه، مرزی هستند. از این رودخانه‌های مرزی، ۱۷ رودخانه با کشورهای هم‌جوار مشترک می‌باشد، ۶۸ رودخانه خروجی و ۴ رودخانه نیز ورودی هستند. سالانه جمعاً حدود ۳۰ میلیارد متر مکعب آب‌های حوزه آبریز مرزی توسط ۶۸ رودخانه از ایران خارج می‌شود که حدود ۶ میلیارد مترمکعب به دریای خزر، ۱۶ میلیارد مترمکعب به دریای عمان و خلیج فارس و ۸ میلیارد مترمکعب به کشورهای عراق، پاکستان و ترکمنستان می‌ریزد. ایران دارای ۱۷ رودخانه مشترک مرزی اعم از فصلی و دائمی است که حدود ۱۲۲۷ کیلومتر از مرزهای ایران را تشکیل می‌دهند. در میان کشورهای پیرامون، ایران با کشور عراق از نظر جریان آب‌های سطحی بیشترین پیوند توپوگرافیکی و تداخل حوزه آبریز دارد. به علت قرار گرفتن ایران در بالادست داشتن موقعیت کوهستانی سالیانه میلیاردها مترمکعب آب‌های سطحی کشور به سرزمین عراق جریان می‌یابد. با توجه به بیلان آبی کشور عراق و ذخایر منابع آب‌های زیرزمینی عراق که حدود ۲ میلیارد مترمکعب برآورد می‌شود، می‌توان گفت سرانه آبی هر نفر در سال ۲۰۱۴ در عراق ۲۷۱۰ مترمکعب در سال بوده است (کلاتری، ۱۳۹۵: ۶۷). مهم‌ترین مسئله مرزی حل‌نشده میان ایران و عراق بر سر آبراه اروندرود می‌باشد، زیرا وضعیت آسیب‌پذیری ژئواستراتژی عراق در این منطقه و محدودیت دسترسی آن به سواحل خلیج فارس باعث دامن زدن این کشور به این مسئله شده و آن

را به مهم‌ترین منابع بحران و تنش در روابط دو کشور مبدل کرده است. بنابراین عمده‌ترین مسئله مرزی دو کشور منازعه بر سر آبراه اروندرود می‌باشد. این آبراهه، مهم‌ترین مسیر دریایی حیاتی میان خلیج فارس و قلمروهای داخلی عراق است. همچنین دست‌کم در شش کیلومتر اول فاصله آن با خلیج فارس نشان‌دهنده مرز میان دو کشور است (مرز میان دو کشور در مسیر اروندرود حدود ۹۱/۱ کیلومتر است)، عراق این مسیر راهبردی و حیاتی خود را در معرض آسیب‌پذیری دائم و گروگان برقراری مناسبات حسنه با ایران می‌داند. در واقع جنگ ایران و عراق، فرض ژئوپلیتیک وابستگی عراق به این آبراه را کاملاً اثبات کرد، زیرا بلافاصله پس از آغاز جنگ، دسترسی عراق به این آبراه قطع شد. واقعیت امر این است که داشتن موقعیت پایین دستی یک تهدید و تنگنای هیدروپلیتیکی برای کشور عراق محسوب می‌شود. بر این اساس کشورهای ترکیه و ایران به خاطر قرار گرفتن کانون‌های آبگیر و سرچشمه رودخانه‌های عراق در قلمروشان از مزیت‌های هیدروپلیتیکی بسیار بالایی نسبت به آن کشور برخوردار هستند.

اختلافات مرز آبی ایران با افغانستان: با توجه به اینکه مرز کشور ایران و افغانستان در برخی مناطق، آبی می‌باشد، یکی از موارد مشاجره پایدار بین دو دولت ایران و افغانستان، مسئله حقایبه هیرمند است. هیرمند یا هلمند نام رودی است که از استان هلمند افغانستان روان شده و به دریاچه هامون که دریاچه‌ای مشترک بین افغانستان و ایران است می‌ریزد. رود بزرگ هیرمند از رودهای پرآب افغانستان و آسیا به‌شمار می‌رود که سالانه میلیاردها متر مکعب آب در آن جریان می‌یابد و طول آن ۱۱۰۰ کیلومتر است و از این‌رو طولانی‌ترین رود واقع بین سند و فرات به‌شمار می‌آید. این رود از بلندی‌های کوه‌های بابا در ۴۰ کیلومتری غرب کابل از رشته‌کوه هندوکش در افغانستان سرچشمه می‌گیرد و پس از مسافت ۱۱۰۰ کیلومتر وارد دریاچه هامون که دریاچه‌ای مشترک بین افغانستان و ایران است می‌شود. در این مسیر طولانی چندین ولایت افغانستان و نیز سیستان ایران قرار دارند که حیات همگی آن‌ها بستگی به آب دهی هیرمند دارد. به همین دلیل در گذشته‌های دور ساکنان اطراف آن در نوعی از تفاهم و از طریق همکاری و بستن سدهای موسوم به سد (گری) هر کدام به تناسب نیازهای خود را برطرف کرده‌اند و با این وجود مسیر آب برای روستاها و مناطق جمعیتی پایین دست باقی می‌مانده است. این روند طبیعی تقسیم آب هیرمند طی قرن‌ها جوابگوی نیازهای ساکنان حوالی هیرمند بوده است و حتی در سال‌های قحطی و کم‌آبی همگان به نسبت یکسان با مشکل روبه‌رو می‌شده‌اند همچنان که در فصل‌های پرباران اگر خساراتی به بار می‌آمده همه در آن شریک بوده‌اند. (نوروزانی، ۱۳۹۳: ۶۴) واقعیت آن است که در پی طرح‌های سدسازی دولت افغانستان که آمریکایی‌ها مجری آن بوده‌اند این روند طبیعی به هم خورد و از این‌رو مسئله

کمبود آب در بخش سیستان ایران به صورت یک بحران در آمد؛ به طوری که در سال‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ ش؛ خشکسالی گسترده در سیستان به وجود آمد و جمعیت زیادی به گرگان کوچانده شدند. در پی این وضعیت بود که هویدا نخست‌وزیر وقت ایران به کابل رفت و با محمد موسی شفیق نخست‌وزیر وقت افغانستان قراردادی درباره تقسیم آب هیرمند امضاء کرد. این قرارداد بعدها به دلیل وقوع کودتای داوود خان در افغانستان به تصویب مجلس ملی افغانستان نرسید. ولی همچنان مبنایی برای هرگونه مذاکره و تقسیم آب هیرمند مطرح است. ولی قبل از این تاریخ نیز در اوایل حکومت محمد ظاهر شاه در سال ۱۹۳۹ معاهده‌ای بین ایران و افغانستان به امضا رسیده بود که هرگز به مرحله اجرا گذاشته نشد. طبق ماده اول این معاهده دولت‌های ایران و افغانستان توافق کردند آب هیرمند را از بند کمال خان به سهم مساوی میان ایران و افغانستان تقسیم گردد. طبق ماده دوم همین عهدنامه دولت افغانستان متعهد شد که هیچ کانال جدیدی برای استفاده بیشتر از آب بیشتر از آنچه در آن مقطع زمانی برداشت می‌کرد احداث نکند. (همان: ۶۵)

چنان‌که معلوم است تاکنون به دلیل جنگ و بحران در افغانستان هیچ‌کدام از این قراردادها و توافق‌نامه‌ها جنبه اجرایی پیدا نکرده است. مهم‌تر این‌که حتی در دوره جدید و ثبات نسبی به وجود آمده در افغانستان باز هم امید چندانی وجود ندارد که مسئله آب هیرمند به صورتی عادلانه حل شود این بدبینی را یک نویسنده ایرانی این‌گونه توضیح داده است: مسائل دیگری نظیر برخورد غیرمسئولانه متکبران و ابهام‌برانگیز مقامات دولتی و محلی افغانستان در قبال توافقات دوجانبه با ایران در زمینه جریان یافتن آب هیرمند به سیستان سوزان ایران همچنین گزارش‌های رسمی مبنی بر رشد وحشتناک کشت و تولید مواد مخدر برخلاف تعهدات دولت یادشده و توافقات نشست «بن» را در این ارتباط می‌توان افزود (همان: ۷۹).

آنچه مسلم است هنوز اختلافات بر سر تقسیم آب هیرمند وجود دارد. نفوذ قدرت‌های خارجی در افغانستان و کمک‌های مالی آن‌ها جهت مهار آب رودخانه هیرمند، همواره به ضرر ایران تمام شده است. در زمینه آب رودخانه هریرود نیز بین دو کشور اختلاف وجود دارد. رودی است که از کوه‌های مرکزی افغانستان (هندوکش) سرچشمه می‌گیرد و با گذر از ولایت‌های غور و هرات در افغانستان، از مرز مشترک افغانستان و ایران می‌گذرد و پس از پیوستن کشف‌رود به آن، با نام رود تجن وارد شنزارهای کشور ترکمنستان می‌شود. احداث سد سلما بر روی رودخانه هریرود، اثرات منفی متعددی را متوجه شمال شرق ایران کرده است؛ اما دولت افغانستان، ساخت سد بر روی هریرود را حق خود دانسته و اعلام کرده است که توافقی در این زمینه بین سه کشور ایران و افغانستان و ترکمنستان وجود ندارد (جهانشاهی، ۱۳۹۷: ۲۵۹).

۲) مسیر حرکت‌های ابرهای باران‌زا

به‌طور کلی آب و هوای ایران از جبهه‌های غربی یا مدیترانه‌ای متأثر است. منتهی جبهه‌های بارش‌زای غربی به دلیل برخورد با ارتفاعات غرب کشور تغییر مسیر می‌دهند و به سوی شمال شرقی منحرف می‌شوند و در نتیجه بارش خود را به استان‌های آذربایجان، اردبیل و دامنه‌های شمالی کوه‌های البرز فرو می‌ریزند و درون ایران را از نعمت بارندگی محروم می‌کنند.

بادها از دو سمت شمال غربی و جنوب شرقی به ایران می‌وزند. بادهای شمال غربی ایران در واقع بادهای تند شمال آمریکا هستند که از اقیانوس اطلس عبور می‌کنند و از راه دریای مدیترانه به سوریه و آسیای صغیر می‌رسند و از آنجا به ایران و هند می‌وزند (علیزاده، ۱۳۹۳: ۱۲۱). نکته مهم و مشکوک این است که در طی چند سال اخیر گویا فقط اقلیم ایران در بین کشورهای منطقه روبه خشک‌سالی نهاده است و بقیه کشورهای که در مسیر ابرهای باران‌زای ایران می‌باشند از این خوان نعمت با بهره هستند. بحث قابل تأمل در این خصوص، خشک‌سالی چند ساله اخیر حتی در مناطق پر باران است. به جز نواحی مرطوب و نیمه مرطوب که همان دامنه‌های شمالی البرز و دامنه‌های غربی زاگرس هستند، هوای بیشتر نواحی کشور در پایان فصل بهار رو به خشکی می‌رود و فصل خشک و گرم نواحی درون بومی آغاز می‌شود. این فصل گاهی تا میانه‌های فصل پاییز ادامه می‌یابد (کیانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۱۰).

تغییر عامدانه اقلیم و مهندسی آب و هوا برنامه‌ای است که به نظر می‌رسد برخی مراکز علمی روی آن تمرکز کرده‌اند. منظور از مهندسی آب و هوا دخالت بزرگ مقیاس و تعمدی انسان در سامانه اقلیم زمین است. مهندسی اقلیم در مقیاس بزرگ با تزریق مواد شیمیایی به لایه استراتوسفر جو زمین امکان‌پذیر است. برخی از محققان این مسئله را ابزاری نظامی می‌دانند که می‌تواند به عنوان یک ابزار ژئوپلیتیک مطرح شود. در کشور نیز مدتی است که ایر دزدی بر سر زبان‌ها افتاده است، اما برخی کارشناسان بدون ارائه دلایل منطقی آن را رد کردند (Samron, 2020: 39)؛ گرچه که افرادی مثل مرحوم پروفیسور پرویز کردوانی یکی از دانشمندان جغرافی کشور و خانم دکتر تاجبخش رئیس سازمان هواشناسی در حال حاضر کشور این قضیه را قبول ندارند اما واقعیت امر این است که با توجه به پیشرفت سریع علم هیچ‌چیزی غیرممکن نیست لذا حداقلش این است که در این خصوص کمی تأمل شود و در یک پژوهش علمی این مسئله رد یا تأیید شود.

جنگ آب و هوا شکلی پنهانی از جنگ پیشگیرانه است. دستکاری آب و هوا می‌تواند برای بی‌ثبات کردن اقتصاد دشمن، اکوسیستم و کشاورزی (مانند کره شمالی یا کوبا) استفاده شود. به‌عنوان مثال، الگوهای آب و هوایی در کره شمالی از اواسط دهه ۱۹۹۰م نشان‌دهنده نابودی کامل سیستم کشاورزی در این کشور است. این مدل شبیه به کوبا است. از طرفی در ایران، عراق و سوریه یک خشک‌سالی ویرانگر در سال ۱۹۹۹م رخ داده است. در افغانستان نیز قبل از تهاجم نظامی آمریکا به این کشور در سال ۲۰۰۱، چهار سال خشک‌سالی مداوم به نابودی اقتصاد دهقانان منجر و قحطی گسترده را سبب شد (باغبان، ۱۳۹۷: ۳۲). سال‌ها پیش زیگنیف برژینسکی ژئواستراتژیست و مشاور امنیت ملی جیمی کارتر، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا در خصوص تغییرات عامدانه اقلیم گفته بود: اکنون تکنولوژی‌هایی در اختیار ماست که به کمک آن‌ها می‌توانیم تغییراتی در آب و هوا ایجاد کنیم و شرایطی مانند خشک‌سالی و توفان به وجود آوریم که این امر می‌تواند توانایی‌های دشمنان احتمالی ما را تضعیف کرده و آن‌ها را به پذیرش شرایط ما مجبور کند. با استفاده از روش‌هایی که این تکنولوژی‌ها در اختیار ما قرار می‌دهند ما می‌توانیم حتی بدون آن‌که نیروهای امنیتی و نظامی خود را در جریان قرار دهیم، جنگ‌هایی سریع و غافلگیرکننده به راه بیندازیم. علاوه بر این بر اساس گزارش روزنامه گاردین به قلم ایان سمپل تصریح شده که آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا در سال ۲۰۰۹م با تأسیس مرکز «تغییرات آب و هوایی و امنیت ملی» بخش اعظمی از بودجه‌های تحقیقاتی مراکز مطالعات تغییرات اقلیمی را به عهده گرفته است (Clark, 2021: 75).

سمپل از آلن رابوک، دانشمند هواشناسی دانشگاه نیوجرسی این‌طور نقل‌قول کرده که سیا می‌خواهد دانش کنترل تغییرات اقلیمی را به سلاحی برای جنگ‌های اقلیمی بدل کند (Ibid). پس از منتشر شدن گمانه‌زنی‌های مختلف در خصوص علت خشک‌سالی سخت و بحران آب در بخش‌های وسیعی از ایران، ولادیمیر سمونوف، معاون مؤسسه فیزیک اتمسفر آبخوف روسیه گفته است همان‌طور که پخش مواد شیمیایی خاص در ابرها برای بارور کردن آن‌ها امکان‌پذیر است، تزریق نوعی دیگر از مواد برای جلوگیری از بارش ابرها هم امکان‌پذیر و در روسیه متداول است. به گفته سمونوف، این کار در روسیه برای ایجاد امکان برگزاری مراسمات خاص در فضای باز از جمله رژه سالروز پیروزی بر ارتش نازی در ۶ می انجام می‌شود (Ibid: 82).

۳) ریزگردها

بنا بر تعریف دانشمندان، هنگامی که سرعت باد در مناطق بیابانی از حد مشخصی که عمدتاً ۸ متر بر ثانیه در نظر گرفته می‌شود، بیشتر گردد، ذرات ریز وارد جریان اتمسفری می‌شوند و تولید گرد و غبار می‌نمایند. این فرایند با توجه به عواملی چون زبری عناصر سطوح، رطوبت

خاک، اندازه ذرات، پوشش گیاهی، بافت خاک، میزان چسبندگی ذرات خاک و پستی و بلندی‌های زمین اتفاق می‌افتد. سازمان هواشناسی جهانی^۱ گرد و غبار را بر اساس شدت و همچنین میزان تأثیر آن در قابلیت رؤیت به ۴ دسته «طوفان گرد و خاک»، «گرد و خاک وزنده»، «گرد و خاک معلق» و «تنوره دیو» تقسیم‌بندی می‌نماید.

سایت باشگاه خبرنگاران جوان در مطلبی در مورد کانون‌های ریزگردها می‌نویسد که محققان مهم‌ترین کانون‌های خارجی گرد و غبار یا ریزگردهای نفوذی به ایران را سه کانون در سوریه، یک کانون در مرز سوریه و عراق، چهار کانون در شمال عراق و حوزه رود فرات و یک کانون در مرکز عراق، منابع دیگر از دشت‌های شرقی و جنوب شرقی عربستان، بخش‌هایی از امارات متحده عربی، یمن و کویت نام برده‌اند (رضازاده، ۱۳۹۹). بحران ریزگردهای خوزستان یک بحران زیست‌محیطی است که قسمت عمده آن از کشورهای همسایه از جمله عراق وارد خاک ایران می‌شوند. بخش‌های جنوبی تالاب هورالعظیم در ایران و نابودی تالاب‌های بین‌النهرین در عراق کانون‌های اصلی تولید ریزگردها هستند. گرد و غبارها و ریزگردها در چند سال اخیر در ایران افزایش یافته‌اند که علت آن خشک شدن تالاب‌های ایران و عراق است با انتقال آب و خشک شدن بیش از ۲ میلیون هکتار از تالاب‌های عراق و بیش از ۴۰ درصد تالاب‌های خوزستان، این تالاب‌ها تبدیل به کانون ریزگرد شده است. (Emaduddin, 2016: 86) وقوع طوفان‌های گرد و غبار و بروز پدیده ریزگرد، در سال‌های اخیر به‌طور قابل‌توجهی در سطح منطقه‌ای و حتی جهانی افزایش یافته است. ایران نیز با توجه به آنکه اصطلاحاً روی کمربند خشک کره زمین قرار گرفته و بیش از ۳۰ درصد از مساحت آن را مناطق خشک و نیمه‌خشک تشکیل می‌دهند، به‌طور ویژه در استان خوزستان و برخی دیگر از استان‌های غربی، به‌شدت با این پدیده درگیر شده و لطمات زیادی از آن دیده است. در برخی موارد، گستره این معضل زیست‌محیطی تا ۱۷ استان کشور، از جمله برخی استان‌های مرکزی کشور نیز رسیده و گاهی پایتخت را نیز بی‌نصیب نگذاشته است (رضازاده، ۱۳۹۹).

ب) عامل اقتصادی

۱) شبکه‌های ارتباطی و اینترنتی: در نظام نوین جهانی، ما در عصر رسانه‌ها زندگی می‌کنیم؛ عصری که در آن رسانه‌های گروهی و شبکه‌های ارتباطی جزو جدایی‌ناپذیر

¹ World Meteorological Organization

زندگی ما هستند. رسانه‌ها و شبکه‌های ارتباطی با اتخاذ سیاست‌های متفاوت ارتباطی، توسعه فرهنگی و اقتصادی کشورها را تسهیل و تسریع می‌کنند. کارکرد رسانه‌ها در عصر ارتباطات، بی‌شک در همه ابعاد زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع بشری انکارناپذیر است. امروزه جامعه‌ای توسعه‌یافته تلقی می‌شود که بتواند در کنار توسعه شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی مانند درآمد سرانه، توزیع ناخالص ملی و نرخ مرگ‌ومیر، بر معیار آموزش و اطلاعات و در حقیقت عنصر دانایی اجتماعی تأکید کند (Bargard, 2019: 36)؛ در چنین جامعه‌ای، وسایل نوین ارتباط جمعی با تولید و توزیع مطلوب اطلاعات، نقش زیادی در بالا بردن آگاهی‌های گوناگون و ضروری به عهده می‌گیرند و جامعه را در نیل به تعالی و ترقی همه‌جانبه یاری می‌کنند.

رسانه‌های توسعه مدار، راه توسعه اقتصادی را همواره می‌سازند تا مردم با استفاده از آن‌ها درباره جهان پیرامون خویش آگاهی درست یابند. درحالی‌که رسانه‌های مخرب و محافظه‌کار راه را پیچیده می‌سازند و با کاهش امید مردم در فرایند توسعه، از شادابی آن‌ها کاسته و افکار عمومی را کلاف سردرگمی می‌سازند که نیل به پیشرفت را در مخیله مردم از بین می‌برد؛ اما رسانه‌های توسعه مدار با ترغیب و تبلیغ مناسب، به یاری مردم می‌شتابند و با ایجاد نظم نوین و ایفای نقش‌های مکمل دیگر از قبیل اطلاع‌رسانی و پرهیز از نقش‌های جانب‌دارانه و حمایتی، زمینه را برای سازماندهی توسعه همه‌جانبه فراهم می‌سازند و آمادگی لازم را برای تغییر به مطلوب همه اجزای جامعه فراهم می‌سازند. رسانه‌های مخرب چه داخلی و چه خارجی که معمولاً دیتا سنتر آن‌ها نیز در خارج از کشور است؛ یا مداحی می‌کنند و یا نق می‌زنند. نفی هم بخشی از عملکرد رسانه‌های مخرب است (Ibid)؛ شبکه‌های اجتماعی مجازی نسل جدیدی از روابط اجتماعی را رقم زده‌اند و به خوبی توانسته‌اند جای خود را در زندگی خصوصاً در حوزه اقتصادی مردم پیدا کنند. مردم بسیاری در سنین مختلف و از گروه‌های اجتماعی متفاوت در شبکه‌های اجتماعی مجازی کنار هم گرد آمده‌اند و از فاصله‌های بسیار دور در دنیای واقعی از این طریق باهم ارتباط و مبادله می‌کنند. این سایت‌ها و شبکه‌ها بر ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی افراد و در سطح کشورها تأثیرگذارند. به همین دلیل در حال گسترش هستند (زهرائیان، ۱۳۹۶: ۸۹)؛ بنابراین اگر ج.ا. ایران تمایل دارد افکار جامعه مخاطب و همسو خود را در دنیای خارج از مرزها به سمت حقانیت هدایت نموده و در منطقه و حتی فرمانطقه نفوذ ژئوپلیتیکی داشته باشد باید به سمتی حرکت کند که خود دارنده دیتا سنترها و سازنده شبکه‌های اجتماعی پرطرفدار بوده تا بتواند مبانی ارزشی، معنوی و حتی مادی (اقتصادی) را برای مخاطبین خارج از کشور ترویج نماید (همان: ۹۰).

۲) شبکه‌های حمل‌ونقل: نقش خطوط ریلی، جاده‌ای و بنادر ایران در راه ابریشم جدید با ابتکار کمربند- راه^۱ که ۶۵ کشور و بیش از نیمی از جمعیت جهان را در بر گرفته و در حدود ۴۰ درصد اقتصاد جهان را شامل می‌شود در مسیرهای پیشنهادی بیش از پیش پررنگ شده است (خداقلی‌پور، ۱۳۹۶: ۲۴).

راه زمینی جاده ابریشم از چین و کشورهای جنوب شرقی آسیا شامل اندونزی و ویتنام آغاز می‌شود و با عبور از کشورهای هند، پاکستان، آسیای میانه، ایران و ترکیه در آسیا امتداد و تا کشورهای اروپای شرقی و ایتالیا ادامه می‌یابد. همچنین راه دریایی جاده ابریشم نیز از آسیای جنوب شرقی شروع شده و در ادامه از اقیانوس هند، شرق آفریقا، دریای سرخ و با عبور از کانال سوئز، دریای مدیترانه تا ایتالیا و اسپانیا ادامه می‌یابد. ابتکار «کمربند- راه» فرا حمل‌ونقلی بوده و طبق سند منتشرشده از سوی کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات چین،^۲ طیف وسیعی از همکاری‌ها در حوزه‌های مختلفی از جمله انرژی، زیرساخت، فرهنگ، ارتباطات، آموزش، کشاورزی، گردشگری، ساخت تجهیزات و ماشین‌آلات، انرژی‌های تجدید پذیر، صنعت، محیط‌زیست، همکاری‌های پولی و بانکی، مبادلات مالی و حمل‌ونقل را شامل می‌شود (Jiang, 2015: 68).

۷ مسیر جدید در کریدور بین‌المللی راه ابریشم در نظر گرفته شده است تا فرایند ترانزیت و حمل‌ونقل از طریق ن‌ها بین شرق و غرب جریان یابد. که عبارتند از: مسیر اول چین - مغولستان - روسیه (غرب)، مسیر دوم چین - روسیه - اروپا، مسیر سوم چین - آسیای مرکزی - ایران - آسیای غربی (استانبول)، مسیر چهارم چین - منطقه هند و چین، مسیر پنجم چین - میانمار - بنگلادش - هند، مسیر ششم چین - پاکستان، مسیر هفتم جاده ابریشم دریایی. (Ibid: 109)

در ادامه می‌توان به این نکته اشاره داشت که در صورت سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نیمه‌تمام و همچنین فراهم آوردن زیرساخت ریلی و جاده‌ای مناسب در کشورهای حوزه آسیای مرکزی و افغانستان طرح ابتکار کمربند-راه می‌تواند از مسیرهای دیگری همچون موارد زیر گذشته و پس از عبور از خاک ایران به سمت اروپا امتداد یابد؛ و این مسیرها عبارتند از:

- مسیر چین - قزاقستان - قرقیزستان - ازبکستان - افغانستان - ایران - ترکیه - اروپا
- مسیر چین - قزاقستان - ازبکستان - افغانستان - ایران - ترکیه - اروپا
- مسیر چین - قزاقستان - تاجیکستان - افغانستان - ایران - ترکیه - اروپا (Ibid, 110).

¹ Belt- Road Initiative

² NDRC

لذا درحالی که آسیای غربی به یکی از محورهای ژئوپلیتیک فعالیت‌های پکن بدل شده، موقعیت ژئواستراتژیک ایران این کشور را به یک نقطه مهم و کلیدی در مسیر جاده ابریشم جدید به اروپا تبدیل کرده است و در راستای تقویت روابط اقتصادی و سیاسی پکن با تهران، دلیل خوبی هم برای اتخاذ این رویکرد وجود داشته است: ایران نه تنها یک تأمین‌کننده مهم نفت و گاز به شمار می‌رود بلکه در موقعیت ژئواستراتژیک مهمی برای پروژه جاده ابریشم جدید قرار گرفته است (سلیمی بروجنی، ۱۳۹۵: ۲۷).

باید به این نکته اشاره کرد که چین به موقعیت ژئواستراتژیک ایران که در مرز دریای خزر و خلیج فارس قرار گرفته علاقمند است و این موقعیت چین را قادر می‌سازد تا طرح یک کمربند یک جاده را محقق سازد (همان: ۳۲).

۳) بازارهای نفتی ایران: از آنجاکه عرضه و تقاضا دو عامل اصلی و بنیادی در هر بازار از جمله بازار نفت جهان به حساب می‌آید، بزرگ‌ترین بازیگران بازار نفت نیز به‌طور طبیعی باید ظرفیت و امکانات بسیار بالایی در عرضه یا تقاضا یا هر دو بخش برخوردار باشند؛ بدین معنا که کمیت نفت تولیدی یا مصرفی (هر دو) نسبت به دیگر بازیگران در سطح بالایی باشد. در ضمن هریک از این دو عامل بنیادی بازار از مجموعه‌ای دیگر از عوامل تأثیر می‌پذیرند؛ به‌طور مثال توانایی تولید و عرضه نفت در هر کشور به حجم ذخایر، میزان ظرفیت مازاد تولید و امور دیگری همچون میزان نفوذ در مهم‌ترین مناطق عرضه نفت یا تشکل عرضه‌کنندگان این ماده بستگی دارد. از سوی دیگر، میزان تقاضا برای مصرف نفت یک کشور نیز به سطح توسعه‌یافتگی آن، میزان بزرگی اقتصاد کشور در سطح جهان، میزان گسترش بخش‌های پرمصرفی همچون حمل‌ونقل، میزان جمعیت کشور و امور دیگری از این قبیل بستگی دارد (گزارشات مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، ۱۳۹۷: ۸)؛ فراتر از عوامل بنیادی بازار نفت و مجموعه نیروهای مرتبط با آن‌ها، مسئله پیوند بازار نفت جهان با بازارهای مالی و به‌ویژه نرخ برابری دلار در برابر دیگر ارزهای معتبر جهانی را نیز باید در نظر گرفت. در شرایط امروز، عمده معاملات در بازار نفت جهان با دلار صورت می‌پذیرد و نوسان ارزش دلار در بازار به‌طور طبیعی به‌سرعت بر بهای نفت اثر خود را نشان می‌دهد. بدین ترتیب افزایش ارزش دلار در برابر دیگر ارزهای جهانی، بهای نفت را کاهش و کاهش ارزش این واحد پولی، سبب افزایش بهای نفت در بازار می‌گردد. این ارتباط به‌ویژه در اوایل دهه ۱۹۷۰ که طی آن آمریکا نظام ارزش‌گذاری ثابت دلار بر پایه میزان مشخصی از طلا را کنار گذاشت، پدید آمده است. با این احتساب، مجموعه اقدامات و سیاست‌های داخل آمریکا یا خارج از این کشور که بر بهای دلار تأثیر می‌گذارند را

می‌توان به عنوان عوامل مؤثر در بازار نفت منظور کرد. به‌طور مثال، سیاست‌های بانک مرکزی آمریکا در کاهش یا افزایش نرخ بهره، انتشار اوراق قرضه، اعطای کمک‌های مالی دولت به مؤسسات بزرگ اقتصادی و مالی بر بهای دلار و در نتیجه بهای نفت در بازار تأثیر می‌گذارند. از سوی دیگر شماری از کشورها و به‌ویژه چین، حجم بالایی از اوراق قرضه دولت آمریکا را خریداری کرده و دلار این کشور را به صورت ذخیره ارزی نگهداری می‌کنند. در نتیجه رفتارهای این کشورها اعتباردهنده به آمریکا در استمرار یا تغییر سیاست‌های خود در حوزه مبادلات مالی بر بهای دلار و به‌طور طبیعی بر بهای نفت در بازار تأثیرگذار است. (همان: ۹)

بنابراین آمریکا از این حربه همیشه علیه کشورهای مخالف خود مثل ایران استفاده نموده است؛ و بازارهای نفتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بعد از آمریکا، عربستان با راهبردهای اتخاذی خود در صنعت نفت شامل هم‌پیمانی با غرب در بازار نفت و تلاش برای کنترل اوپیک بر بازارهای نفتی اثرگذاری منفی علیه سایر رقبا دارد. حجم عظیم ذخایر عربستان و توسعه کم‌هزینه آن، به این کشور امکان داده است بین دو تا سه میلیون بشکه ظرفیت تولید اضافی برای خود ایجاد کند. این میزان ظرفیت تولید اضافی، بدین معنا است که در صورت خارج شدن یک تولیدکننده بزرگ از بازار نفت یا کاهش تولید آن، این کشور بتواند کمبود را جبران کند. عربستان در طول مخاصمه بین ایران و آمریکا همیشه نگرانی نظام سلطه به خصوص آمریکا را از کاهش تولید نفت ایران برطرف کرده است (صاغری، ۱۳۹۶: ۲۱۹). از دیگر سازمان‌های تأثیرگذار بر بازارهای نفت ایران سازمان اوپیک^۱ و آژانس بین‌المللی انرژی^۲ می‌باشد؛ که در واقع می‌توان این آژانس را در مقابل اوپیک قرار داد. سازو کار مشارکت اضطرار آژانس بر سه اصل ذخیره‌سازی نفت، برنامه صرفه‌جویی و فرماندهی ملی در حالت اضطراری^۳ استوار است.

چین نیز از دیگر قدرتی‌هایی است که به تازگی در بازار انرژی جهان به صورت وزنه‌ای تأثیرگذار ظاهر شده است. رشد سریع اقتصادی چین، رشد شدید تقاضا برای مصرف نفت را در چین به دنبال داشته است. چین در سال ۲۰۱۵ روزانه بیش از ۴/۵ میلیون بشکه تولید نفت داشته اما ناگزیر شده است باقیمانده نیاز ۱۰ میلیون بشکه خود را از

^۱ Organization des pays exportations de petrol (opep)

^۲ Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)

^۳ فرماندهی ملی در صورت بحران مکلف است میزان نفت موجود را براساس ضابطه خاصی در اختیار گروه‌های مصرف‌کننده قرار دهد.

خارج وارد کند لذا قطعاً یکی از تأثیرگذارترین کشورها بر بازار نفتی ایران به خصوص با تشدید تحریم‌های آمریکا علیه ایران این کشور می‌باشد (همان: ۲۱۶).

خلاصه اینکه به گزارش تجارت‌نیوز، پلاتز گزارشی از ۱۰ خریدار عمده نفتی ایران داده است که در آن چین جایگاه نخست، هند دوم و کره جنوبی سوم است. در این گزارش اشاره شده است که ترکیه، ایتالیا، ژاپن، فرانسه، یونان، امارات متحده عربی و اسپانیا جایگاه‌های چهارم تا دهم را دارند (گزارشات موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی: ۱۳۹۷).

۴) کشورهای واردکننده کالا به ایران: بر پایه آمار گمرک ایران از تجارت خارجی سال ۱۴۰۱ هـ. ش، ارزش کالای وارد شده به ایران حدوداً معادل ۲۱ میلیارد می‌رسد. چین، امارات متحده عربی، جمهوری کره، ترکیه، سوئیس، هند، آلمان، ایتالیا، فرانسه و هلند، ۱۰ کشور صادرکننده عمده کالا به ایران طی هشت ماه منتهی به آبان سال ۱۴۰۱ بوده‌اند. چین و امارات بزرگ‌ترین صادرکننده کالا به ایران طی سال ۱۴۰۱ هـ. ش بوده است. چین با صادرات حدود ۱/۷ میلیون تن کالا به ایران حدود ۱۳ درصد از سهم کل واردات ایران را به خود اختصاص داده است و این در حالی است که ارزش کالاهای مذکور چهار میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار و برابر با ۲۴/۱ درصد از کل ارزش کالاهای وارداتی به ایران است.

نگاهی به آمارها نشان می‌دهند که در سال ۱۴۰۱ هـ. ش مجموع تجارت ایران و امارات به بیش از ۲۴ میلیون و ۳۵۶ هزار تن به ارزشی بالغ بر ۵۷۸ هزار و ۶۰۸ میلیارد و ۵۶۸ میلیون تومان معادل ۲۴ میلیارد و ۱۶۱ میلیون و ۶۸۱ هزار دلار رسیده است که از نظر وزنی با رشد شش درصدی مواجه شده و افزایش ۱۵ درصدی را از حیث ارزش دلاری تجربه کرده است (قابل دسترسی در سایت ایسنا، ۱۴۰۲ کد خبر: ۱۴۰۲۳۱۱۰۷۷۹۵).

جمهوری کره نیز در چهارماهه نخست سال ۱۳۹۶ هـ. ش ۴۴۱ هزار تن کالا به ایران صادر کرده است که ارزش این کالاهای واردشده به ایران به یک میلیارد و ۷۳ میلیون دلار می‌رسد و با این حساب جمهوری کره با در اختیار داشتن ۳.۹۱ درصد از سهم وزنی و ۶.۷۹ درصد از ارزش کل واردات ایران در این مدت، به عنوان سومین شریک تجاری ایران در واردات کالا شناخته می‌شود (قابل دسترسی در سایت اقتصاد نیوز، ۱۳۹۶ کد خبر: ۱۷۸۸۳۶).

ترکیه نیز دیگر شریک تجاری ایران است که به رغم نداشتن رابطه سیاسی خوب با ایران، ارتباط اقتصادی خوب و زیادی با کشورمان دارد، چراکه نمی‌خواهد بازار خود را در ایران از دست بدهد. این کشور چهارمین صادرکننده کالا به ایران در طول چهارماهه

نخست سال ۱۴۰۱ هـ ش بوده است و ۵۸۸ هزار تن کالا به ارزش ۹۵۷ میلیون دلار به ایران صادر کرده است. واردات ایران از ترکیه ۵.۲۱ درصد از سهم درصد از سهم وزنی و ۰۶ درصد از ارزش کل واردات انجام شده به ایران در این مدت است.

پنجمین صادرکننده بزرگ کالا به ایران، کشور هند است که موفق شده در چهارماهه نخست همین سال ۷۷۵ هزار تن کالا به ارزش ۸۹۱ میلیون دلار را به ایران وارد کند و ۰۶۸۶ درصد از وزن کالایی وارداتی و ۰۵۶۶ درصد از ارزش واردات انجام شده به ایران را به خود اختصاص دهد (قابل دسترسی در سایت ایسنا، ۱۴۰۲ کد خبر: ۱۴۰۲۳۱۱۰۷۷۹۵).

به طور میانگین باید گفت صادرات این پنج کشور به ایران ۸۲ درصد سهم وزنی و ۸۵ درصد از کل ارزش واردات به ایران است.

پس از این پنج کشور، کشورهای آلمان، سوئیس، فرانسه، انگلیس، ایتالیا، هلند، سنگاپور، بلژیک، ژاپن و پاکستان کشورهایی هستند که در این مدت بیشترین صادرات را به ایران انجام داده‌اند.

استراتژیکی ترین کالای وارداتی ایران گندم است. به گزارش خبرگزاری تسنیم به نقل از بلومبرگ^۱، سازمان جهانی خواربار و کشاورزی ملل متحد تخمین می‌زند که ایران نیاز به ۰۱۲ میلیون تن واردات محصولات کشاورزی ذرت، برنج، جو و گندم در سال ۱۳۹۸ هـ ش دارد. یکی از کشورهای صادرکننده گندم تا قبل از به هم خوردن برجام آمریکا می‌باشد. طی دو دهه گذشته ایران به‌طور متناوب از آمریکا غلات و سایر محصولات کشاورزی را خریداری کرده است (۱۳۹۷: قابل دسترسی در سایت تسنیم، ۱۳۹۷) در خصوص واردات تجهیزات و سلاح‌های نظامی ایران تا قبل از انقلاب کشورهای غربی عمدتاً آمریکا و بعد از انقلاب کشورهای شرقی عمدتاً روسیه، چین، کره شمالی و کره جنوبی بوده است (بیک، ۱۳۹۵: ۲۲۲).

(۵) مشارکت ایران در خطوط انتقال انرژی: مشارکت ایران در خطوط انتقال انرژی در دو قسمت جداگانه قابلیت دارد:

الف) طرح خط لوله انتقال گاز صادراتی ایران به هند و پاکستان: طول خط لوله ایران به هند حدود ۲۸۵۰ کیلومتر است و قرار است گاز صادراتی ایران را از مسیر پاکستان به هند منتقل کند. پیش‌بینی شده است که در صورت توافق نهایی، ۱۲۰۰ کیلومتر از این خط لوله در ایران، ۸۰۰

^۱ شرکت بلومبرگ (Bloomberg L.P) یک شبکه بزرگ مالی آمریکایی است که بخشی از فعالیت آن رسانه‌ای است. مقر این شبکه در نیویورک است

کیلومتر در پاکستان و ۸۵۰ کیلومتر در هند احداث شود. با تکمیل این طرح، روزانه ۱۵۰ میلیون متر مکعب گاز ایران به هند و پاکستان صادر می‌شود که ۹۰ میلیون متر مکعب آن برای هند و ۶۰ میلیون متر مکعب آن برای پاکستان در نظر گرفته شده‌است. هزینه اجرای این طرح در برآوردهای اولیه چهار و نیم میلیارد دلار اعلام شده بود اما اکنون کارشناسان هزینه طرح را حدود هفت میلیارد دلار برآورد می‌کنند. علی‌رغم جذابیت‌هایی که این طرح نه تنها از جنبه تأمین انرژی برای شبه قاره هند دارد، بلکه به عنوان یک عامل کاهش تنش در روابط بین هند و پاکستان نیز به شمار می‌رود، هندوستان تحت فشارهای آمریکا اعلام کرد که از این طرح کناره‌گیری می‌کند. (میلانی، ۱۳۹۵: ۳۴) ساخت این خط لوله که از سال ۲۰۰۲ شروع شد، قرار بود در سال ۲۰۱۴ به بهره‌برداری برسد که با کنار کشیدن هند از این پروژه و تعلل پاکستان در ساخت خط لوله در داخل این کشور، نیمه‌کاره رها شده‌است (همان: ۳۷).

ب) مسیر جنوبی ترانزیت انرژی حوزه خزر که از ایران می‌گذرد، یعنی این که نفت و گاز را از میدان‌های نفتی آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان به بندرهای خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند می‌رساند در مورد مسیر جنوب، ایران دو پیشنهاد ارائه داده است:

(۱) روش دادوستد سوآپ:^۱ یعنی کشورهای ساحلی نفت و گاز خود را به نکا، پالایشگاه تهران و تبریز انتقال و همان مقدار در بندرها دریای عمان و خلیج فارس تحویل گیرند؛ که از نظر اقتصادی و امنیتی مناسب‌ترین راه می‌باشد؛ بنابراین اولین بار در سال ۲۰۰۲م، سوآپ نفت قزاق‌ها از طریق نکا انجام شد که ابتدا ۱۶۰۰ بشکه در روز سوآپ می‌شد ولی بعدها با خط لوله نکا تهران به ۱۵۰ هزار بشکه در روز رسید از طرف دیگر شبکه لوله‌های گاز ایران به جمهوری آذربایجان متصل است و در فاصله نسبتاً کوتاهی از ترکمنستان واقع شده است. خط لوله‌ای که قزاقستان و ترکمنستان را به این شبکه وصل می‌کند چهار بار کوتاه‌تر و ارزان‌تر از هر خط لوله است که تا دریای سیاه و مدیترانه پیشنهاد شده است.

(۲) روش انتقال مستقیم: در این روش خط لوله، نفت کشورهای حاشیه دریای خزر را به منطقه خلیج فارس منتقل می‌کند. این خط لوله حدود یک و نیم میلیارد دلار هزینه خواهد داشت و حق ترانزیت آن سه دلار در هر بشکه و ظرفیت روزانه آن

¹ Swap

یک میلیون بشکه در روز است؛ که واشنگتن به خاطر مسائل سیاسی و اختلافاتی که با ایران دارد با این راه مخالف است (بیک، ۱۳۹۵: ۹۷).

۶) روابط تجاری: بر پایه آخرین داده‌های سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۷ یا ۲۰۱۳ میلادی)، ایران و پانزده همسایه خود روی هم رفته ۶۵۰ میلیون نفر از جمعیت جهان (۸/۹ درصد) را در خود جای داده و با ۷/۲ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان، ۱۱ درصد از صادرات بین‌المللی را انجام می‌دهند. پاکستان پرجمعیت‌ترین کشور با ۱۸۵ میلیون نفر و بحرین کم جمعیت‌ترین کشور با ۱/۴ میلیون نفر در سطح منطقه محسوب می‌گردند. از کل صادرات ۲۱۰۰ میلیارد دلاری این ۱۶ کشور، دو-سوم آن را نفت/گاز (۶۳ درصد) و مواد اولیه (۳ درصد) تشکیل می‌دهد. مواد صنعتی فرآوری شده که معمولاً نهایی نیست با ۱۴ درصد از کل و کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی (با یکدیگر ۸ درصد) دیگر اقلام مهم را شامل می‌شوند. از ۱۶ اقتصاد منطقه فقط ۴ کشور پاکستان، افغانستان، ترکیه و ارمنستان به درآمدهای نفت/گاز اتکاء ندارند (سلطانی، ۱۳۹۶: ۲۱۹).

به رغم اهمیت بالای مبادلات تجاری با کشورهای همسایه برای ایران، این مبادلات برای آن‌ها از اهمیت همسانی برخوردار نیست. در شرایطی که صادرات به همسایگان ۳۴ درصد از کل صادرات غیرنفتی ایران را پوشش می‌دهد، واردات از ایران فقط ۱/۱۲ درصد از کل واردات این کشورها را شامل می‌گردد. از سوی دیگر ۳۴ درصد از کل واردات رسمی و بیش از نیمی از کل واردات ایران از طریق کشورهای همسایه صورت می‌گیرد که در همین حال معادل کمتر از ۳ درصد صادرات غیرنفتی آن‌ها می‌باشد. حجم واردات ایران از کشورهای صادرکننده مهم امارات، روسیه و ترکیه به سختی ۳ تا ۴ درصد از صادرات آن‌ها را به خود اختصاص می‌دهد و فقط کشورهای عراق و افغانستان دارای حجم مبادلات تجاری بالای ۱۰ درصد از واردات از ایران هستند که آن هم وضعیت چندان مستمر و پایداری ندارد (همان: ۲۲۰).

هر چند با کسر میزان صادرات مجدد کالاها از کشورهای همسایه به ایران، تراز تجاری ایران و همسایگان به تعادلی نسبی می‌رسد، اما مشکل در مبادلات تجاری نامتوازن و اتکالی بیش از حد ایران برای واردات انواع کالاها (که حداقل نیمی از آن‌ها صادرات مجدد محسوب می‌شود) از همسایگان و از سویی صادرات غیرنفتی به آن‌ها است که بحث امنیت تجاری کشور را مطرح می‌سازد. لذا به دلیل سطح اتکالی بیش از حد ایران به واردات از همسایگان و از سوی دیگر میزان اهمیت پایین تجارت با ایران برای آنان، در هر زمان که منافع و مصالح‌شان اقتضا کند، می‌توانند رابطه تجاری با ایران را متوقف کرده یا کاهش دهند (همان). در کنار بسیاری از کشورهای همسایه که دارای پتانسیل مناسب برای برقراری روابط تجاری هستند، وجود

کشورهای تاجیکستان (تنها کشور فارسی‌زبان به جز ایران)، ازبکستان، گرجستان، سوریه و لبنان کشورهای مناسبی برای برقراری مبادلات تجاری با ج.ا.ایران هستند. تعداد کشورهایی که می‌توان جهت روابط گسترده اقتصادی و تجاری با آن‌ها برنامه‌ریزی کرد، شامل ۲۰ کشور است که وجود ۸ کشور محصور در خشکی، زمینه‌های بس مساعدی برای توسعه انواع روابط تجاری را ایجاد کرده است. در هر صورت افزایش متعادل و متوازن حجم مبادلات تجاری بین ایران و کشورهای همسایه به نفع اقتصاد کشور بوده و در مسیر اهداف سیاست خارجی نیز می‌تواند قرار گیرد (محمدفر، ۱۳۹۷: ۱۲۵).

ج) عامل سیاسی

۱) علائق ژئوپلیتیک ج.ا.ایران با کشورهای همسایه

علائق ج.ا.ایران با کشورهای همسایه در جدول زیر آورده شده است.

جدول (۱) علائق ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران با کشورهای همسایه

کشورها	علائق ج.ا.ایران با کشور مربوطه
افغانستان	جلوگیری از تسلط و نفوذ سایر قدرت‌ها در منطقه، مقابله با عوامل مخل ثبات و امنیت ایران در طرفین مرزهای دو کشور، دسترسی به بازارهای مصرف کشور افغانستان، کنترل راه‌های انتقال کالا و انرژی، اشاعه ارزش‌های سیاسی و فرهنگی موردنظر خود در افغانستان، حمایت و حفظ نظام‌ها و نخبگان سیاسی طرفدار خود، مشترکات فرهنگی و تاریخی دو کشور، دریافت ج.ا.ایران از حق آبه هیرمند
پاکستان	مقابله با عوامل مخل ثبات و امنیت ایران در طرفین مرزهای دو کشور، مقابله با استمرار ترتیبات منطقه‌ای مورد حمایت آمریکا و عربستان در این کشور، کنترل راه‌های انتقال کالا و انرژی، اشاعه ارزش‌های سیاسی و فرهنگی موردنظر خود در کشور پاکستان، حمایت و حفظ نظام‌ها و نخبگان سیاسی طرفدار خود،
دریای عمان و حوزه خلیج فارس	جلوگیری از تسلط و نفوذ سایر قدرت‌ها در منطقه، دسترسی به منابع انرژی منطقه به ویژه منابع انرژی مشترک، کنترل راه‌های انتقال کالا و انرژی از این منطقه، دسترسی به بازار مصرف این منطقه، حفظ ثبات امنیتی این حوزه
عراق	مقابله با استمرار ترتیبات منطقه‌ای مورد حمایت آمریکا در این کشور، حمایت از نیروهای همسو، حمایت از نخبگان سیاسی طرفدار خود، حل مشکلات مرزی خصوصاً در مورد اروندرود، عتبات عالیات این کشور، دسترسی به بازار مصرف، منابع مشترک انرژی (میدان‌های نفتی)، شیعیان عراق، بازارچه‌های مرزی
ترکیه	مقابله با استمرار ترتیبات منطقه‌ای مورد حمایت آمریکا در این کشور، اشتراکات دینی و فرهنگی، بازارچه‌های مرزی، اهداف مشترک دو کشور در سوریه، مقابله با گروهک‌های معاند با دو کشور مثل پ.ک.ک، و پژاک ترانزیت کالا از این کشور به اروپا

کشورها	علائق ج.ا.ایران با کشور مربوطه
روسیه	علائق مشترک ایران و روسیه برای حفظ ثبات سیاسی و امنیتی در منطقه آسیای مرکزی و حفظ امنیت دریای خزر برای دو کشور، تلاش ج.ا.ایران جهت گسترش روابط خود با روسیه (همکاری‌های اقتصادی، سیاسی، دفاعی و امنیتی) به‌منظور دور زدن تحریم‌ها، همسو کردن این کشور در مبارزه با محور ضد مقاومت و افزایش اعتبار خود در صحنه بین‌المللی، اهداف مشترک در سوریه، تضاد منافع روسیه با آمریکا و بعضی از کشورهای غربی، رژیم حقوقی دریای خزر، تقویت قدرت دفاعی از طریق خرید تسلیحات دفاعی
سایر کشورهای حوزه دریای خزر	رژیم حقوقی دریای خزر، وجود منابع نفت و گاز در فراساحل بین دو کشور (میدان نفت آراز، آلاو و شرق)، مناسبات انسانی در دو سوی مرزها بین ج.ا.ایران و کشور آذربایجان و ترکمنستان به علت جداسازی قومیت‌ها توسط مرزهای سیاسی این کشورها از ایران، اشتراکات تاریخی، مذهبی و فرهنگی، شبکه آبی در مناطق مرزی، جلوگیری از تسلط و نفوذ سایر کنشگران ساحلی در این حوزه، دسترسی به بازار مصرف حوزه خزر، کنترل راه‌های انتقال کالا و انرژی این حوزه از طریق ترانزیت ایران

۲) احزاب و گروه‌های سیاسی همسو با ج.ا.ایران در منطقه

۱) **حشدالشعبی**: بسیج مردمی عراق یا حشدالشعبی به نیروهایی اطلاق می‌شود که در کنار ارتش با هدف مبارزه علیه داعش سازماندهی شده‌اند. این نیروها عمدتاً از حدود ۲۱ گروه مختلف تشکیل شده‌اند که البته طیف‌های سنی، مسیحی و ایزدی نیز در آن حضور دارند. تشکیل حشدالشعبی را به ضرس قاطع می‌توان با تشکیل ساختاری مشابه بسیج ۲۰ میلیونی ایران همسان فرض کرد که به‌عنوان یک فرصت بی‌نظیر برآمده از تهدیدات امنیتی پس از ۲۰۱۴ م. در عراق به شمار می‌رود (افشون و همکار، ۱۳۹۷: ۴۸).

در ابتدای تابستان سال ۹۳ هـ.ش، چند روز پس از سقوط شهر موصل در شمال عراق به دست داعش و صدور فرمان جهاد کفایی از سوی آیت‌الله سیستانی مرجع تقلید شیعیان در عراق، یک نیروی مردمی بزرگ حشدالشعبی برای مبارزه با گروه تروریستی داعش شکل گرفت. نیروهای حشدالشعبی که در حال حاضر به بیش از صد هزار نفر می‌رسند، از اقشار، قومیت‌ها، مذاهب و ادیان مختلفی تشکیل شده‌اند که نشانه وحدت مردم عراق در مبارزه با داعش است. نیروهای حشدالشعبی زیر نظر دولت عراق فعالیت می‌کنند و فرمانده کل این نیروها حیدر العبادی نخست‌وزیر عراق است.

درواقع شکل‌گیری گروه حشدالشعبی، الگوگیری از بسیج ایران بود و حشدالشعبی توانست عراق را در نبرد با داعش یاری دهد. نیروی حشدالشعبی را می‌توان به‌عنوان نوظهورترین نیروی نظامی، مردمی و عقیدتی در عراق و حتی منطقه دانست که در چارچوب مقاومت، هم‌ردیف حزب‌الله

لبنان، انصار الله یمن و حماس فلسطین، در حال ایفای کارکردهای مهم و نقشی کانونی در تحولات نظامی و امنیتی این کشور به خصوص در جنگ با داعش است. عمدتاً ساختار و بدنه نظامی حشدالشعبی را شیعیان عراق تشکیل می‌دهند؛ اما بعدها عشایر سنی عراق از استان‌های صلاح‌الدین، نینوا و الانبار و نیز کردها و مسیحیان عراق نیز به آن ملحق شدند.

۲) **انصارالله یا شاخه یمنی حزب‌الله**: شیعیان یمن و خصوصاً انصارالله به لحاظ گرایش‌های سیاسی و اعتقادی به کشورمان نزدیکی زیادی دارند و همین مسأله موجب شده که مردم از ایران به‌عنوان رهبر جهان تشیع برای تشکیل یک حکومت دینی اصیل الگوبرداری کنند و در این راستا از حمایت‌های معنوی کشورمان بهره‌مند شوند (قربانی و همکار، ۱۳۹۵: ۳۳). از آنجایی که انقلاب اسلامی الهام‌بخش بیداری اسلامی در یمن است جنبش انصارالله ظرفیتی بسیار پذیرا نسبت به انقلاب اسلامی ایران دارد.

۳) **حزب‌الله لبنان**: حزب‌الله لبنان به‌عنوان گروهی که در دو دهه اخیر سیاست‌های توسعه‌طلبانه‌ی رژیم صهیونیستی را به چالش کشیده است، شناخته می‌شود. این حزب از بدو تأسیس تا به امروز همواره در جریان‌های داخلی لبنان و در مقابله با اشغالگری اسرائیل، روند صعودی قدرت‌یابی را طی نموده تا جایی که هم‌اکنون از بازیگران مهم عرصه‌ی سیاسی لبنان محسوب می‌شود و قدرت‌های حامی اسرائیل نمی‌توانند طرح‌های خاورمیانه‌ای (جنوب غرب آسیا) خود را بدون در نظر گرفتن حزب‌الله پیش ببرند. حزب‌الله لبنان با فعالیت گروهی از روحانیون بازگشته از حوزه‌ی علمیه نجف اشرف به لبنان در دهه ۱۹۶۰ م. / ۱۳۳۹ هـ ش پایه‌گذاری شد. هدف اصلی و اولیه حزب‌الله مبارزه با اشغالگران صهیونیست بر اساس اصول اساسی اسلام و فرمان امام خمینی است (خلفی، ۱۳۹۵: ۳۴). البته حزب‌الله با گذشت زمان دست‌خوش تغییراتی شد تا آنجا که طرح‌های سیاسی این جنبش در مقایسه با دوره‌ی اولیه تأسیس این حزب به‌روز میانه‌روی و اعتدال پیش رفت. این گروه خود را به آرمان‌های ج.ا. ایران پایدار می‌دانند و تعرض به خاک ایران را به منزله تعرض به کشور لبنان قلمداد می‌نماید.

پیشینه‌های پژوهش

فرد جانسون^۱ در مقاله با عنوان شکار فرصت‌های ژئوپلیتیک در سال ۲۰۲۱ م می‌نویسد که کشورها برای تکمیل منافع خود ناگزیر به فرامرزهای خود بوده و باید نواقص ظرفیت‌های جغرافیایی خود را در خارج از سرزمین خود جستجو کنند. او می‌گوید

^۱ Fred Johnson

سیستم‌های ژئوپلیتیک بسته به کاهش وزن خود کمک کرده و جامعه تحت مدیریت سرزمین خود را به نابودی نزدیک می‌کنند. جانسون معتقد است امروزه تقریباً هیچ کشور خودکفای کامل در سیستم جهانی وجود نداشته زیرا نمی‌تواند زنده بماند. او ادامه می‌دهد رشد هر کشوری کمک به کلیهٔ انبای بشر بوده و این مهم وابستگی بازیگران را در عرصه جهانی فراهم می‌نماید. از نظر او بایکوت کردن هر سیستمی توسط سایر سیستم‌ها یعنی حکم مرگ و نابودی آن سیستم، توسط سایر بازیگران بایکوت کننده توشیح کردن است.

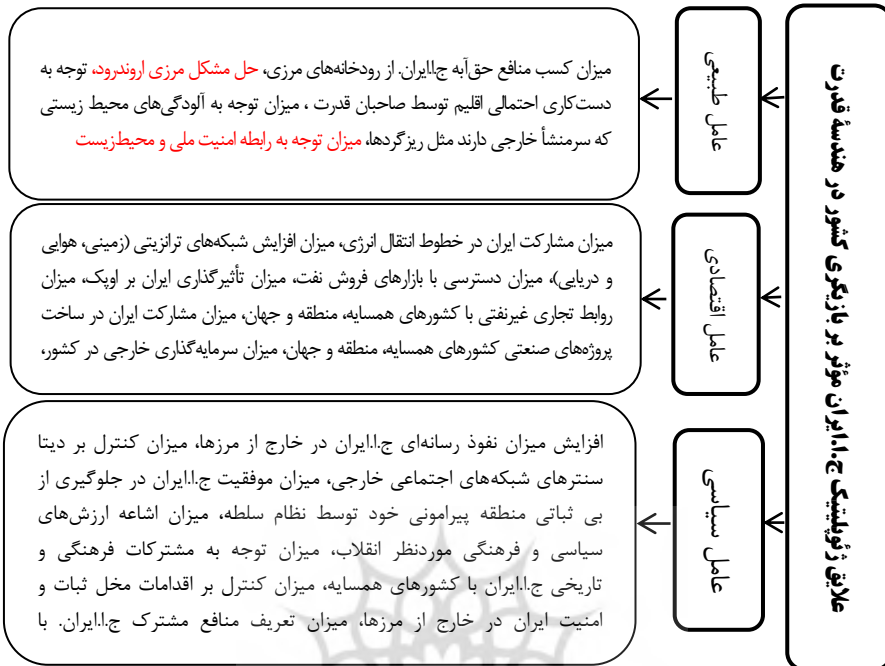
اولاخ مایر^۱ در مقاله خود با عنوان وابستگی‌های ژئوپلیتیکی در سال ۲۰۱۸ اشاره می‌کند که وابستگی‌ها و علقه‌های ژئوپلیتیکی بازیگران نسبت به یکدیگر تابع عوامل ژئوپلیتیکی طبیعی یا اقتصادی یا سیاسی و گاهاً ترکیبی است.

نظر مایر تنه به نظر جانسون می‌زند و او نیز معتقد است که رشد و بازیگری هر سیستم و سازهٔ سیاسی وابستگی به جایگاه آن سیستم در عرصه پیرامونی، منطقه‌ای و جهانی دارد. از نظر او کسب منافع ملی در خارج از سرزمین بازیگران تابعی از قدرت و منزلت آن بازیگر است. او نتیجه می‌گیرد که کشوری رشد و توسعه نخواهد یافت مگر اینکه در تعامل با کشورهای دیگر، منافع ملی خود را تکمیل کند.

چارچوب مفهومی

از آنجایی که محقق در این تحقیق به دنبال کشف مؤلفه و شاخص‌های علائق ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران مؤثر بر بازیگری در هندسه جدید قدرت است؛ لذا پس از بررسی ادبیات نظری، اسناد و مدارک و نظر خبرگان مؤلفه‌ها استخراج و شاکله چارچوب نظری تحقیق شکل گرفت. در مرحلهٔ بعد محقق متناسب با چارچوب نظری تحقیق محیط‌شناسی را انجام داده تا سرانجام شاخص‌های تحقیق به شرح ذیل احصاء گردید.

^۱ Olach Mayer



شکل (۲) چارچوب مفهومی

روش‌شناسی پژوهش

محقق با استفاده از روش توصیفی تحلیلی با رویکرد ترکیبی (کمی- کیفی) به اجرای تحقیق حاضر پرداخته‌اند. نوع تحقیق کاربردی است. با توجه به تخصصی بودن موضوع تحقیق، جامعه آماری با محدودیت افراد خبره و صاحب‌نظر مرتبط با عنوان، نیاز است تا جامعه تحقیق به صورت هدفمند از بین خبرگان نظامی و غیرنظامی و صاحب‌نظر جغرافیای سیاسی در سطح نیروهای مسلح، دانشگاه‌های کشور و سازمان‌های مرتبط که دارای ویژگی‌های زیر هستند، انتخاب گردد:

دارای سابقه‌ی خدمت در مشاغل راهبردی و در جایگاه شغلی سرتیپی به بالا (در سطوح کشوری و لشکری)، آشنایی مناسب با علم ژئوپلیتیک داشته باشند، در زمینه تحقیق دارای اثر علمی باشند و دارای فهم راهبردی باشند.

با توجه به این ویژگی‌ها، جامعه آماری به صورت هدفمند ۵۶ نفر صاحب‌نظر در این زمینه انتخاب گردید. به علت محدود بودن جامعه آماری، جامعه نمونه نیز منطبق با جامعه آماری تمام شمار است بنابراین حجم نمونه تحقیق همان ۵۶ نفر می‌باشد. نوع آمار بکار رفته از نوع ناپارامتریک است. مقدار بار عاملی مورد قبول در این تحقیق بیش از ۰/۶ در نظر گرفته شده است.

برای تعیین روایی محتوایی از ضریب لاوشه که یک آزمون از قضاوت متخصصان درباره سؤال‌های آزمون است که تا چه میزان معرف محتوا و هدف‌های پژوهش هستند، استفاده می‌شود. با توجه به اینکه تعداد خبرگان و نظردهندگان برای این ارزیابی ۵۶ نفر بودند برای روایی بالا، مقدار قابل قبول ضریب بالاتر از ۰/۷۵ مدنظر قرار گرفت بنابراین گویه‌هایی که دارای ضریب کمتر از مقدار مزبور باشند حذف می‌شدند. این بدان معنی است که برای تأیید هر گویه، حداقل ۵۰ نفر از ۵۶ نفر صاحب‌نظر باید آن گویه را مرتبط با شاخص برآورد نمایند. بنابراین در محاسبات روایی تحقیق گویه‌های ذیل حذف شدند.

از مؤلفه طبیعی: گویه‌های حل مشکل مرزی اروند رود (بعلت تکرار و همپوشانی در سایر شاخص‌های دیگر) و میزان توجه به رابطه امنیت ملی، محیط‌زیست (بعلت تطابق نداشتن این شاخص به مؤلفه طبیعی) و از مؤلفه اقتصادی، گویه میزان سرمایه‌گذاری خارجی در کشور (بعلت تکرار و همپوشانی در سایر شاخص‌های دیگر) پایایی: برای پایایی پرسشنامه در این تحقیق از روش آلفای کرونباخ به شرح جدول ذیل استفاده گردیده است.

جدول (۲) ضرایب آلفای کرونباخ مؤلفه‌ها

مؤلفه	ضریب آلفای کرونباخ	بعد
طبیعی	۰/۹۷۷	علائق ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران مؤثر بر بازیگری کشور در هندسه قدرت
اقتصادی	۰/۷۲۵	
سیاسی	۰/۸۴۵	

تجزیه و تحلیل داده‌ها

مؤلفه‌ها و شاخص‌های علائق ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران مؤثر بر بازیگری کشور در هندسه قدرت جدید کدامند؟

پس از محاسبات داده‌های پرسشنامه از طریق نرم افزار اسمارت PLS نتایج ذیل حاصل گردید:

علائق ژئوپلیتیک با سه مؤلفه مؤثر بر قدرت بازیگری جمهوری اسلامی شناخته شده که تشریح هر یک از مؤلفه‌ها به شرح ذیل انجام می‌شود:

۱. **طبیعی:** این مؤلفه از علائق ژئوپلیتیک کشور در فرامرزها (تحقق منافع ملی در خارج از مرزها) با سه شاخص شامل (میزان کسب منافع حق‌آبه ج.ا. ایران، از رودخانه‌های مرزی، توجه به دست‌کاری احتمالی اقلیم توسط صاحبان قدرت، میزان توجه به آلودگی‌های زیست‌محیطی که سرمنشأ خارجی دارند مثل ریزگردها) تبیین و ضریب مسیر ۰/۷۳۷ نشان می‌دهد که رابطه مثبتی بین این دو متغیر وجود دارد و اگر مؤلفه طبیعی یک واحد افزایش یابد به شرط ثابت نگه‌داشتن سایر عوامل ژئوپلیتیک، علائق ژئوپلیتیک کشور در فرامرزها (تحقق منافع ملی در خارج از مرزها) ۰/۷۳۷ واحد افزایش خواهد یافت؛ و p -value که به صورت ۰/۰۰۰ گزارش شده است، نشان می‌دهد که این رابطه با اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار است؛ بنابراین از مؤلفه طبیعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های بعد علائق ژئوپلیتیک کشور در فرامرزها (تحقق منافع ملی در خارج از مرزها) حمایت می‌شود.

۲. **اقتصادی:** این مؤلفه از علائق ژئوپلیتیک کشور در فرامرزها (تحقق منافع ملی در خارج از مرزها) با هفت شاخص شامل (میزان مشارکت ایران در خطوط انتقال انرژی، میزان افزایش شبکه‌های ترانزیتی (زمینی، هوایی و دریایی)، میزان دسترسی با بازارهای فروش نفت، میزان تأثیرگذاری ایران بر اوپک، میزان روابط تجاری غیرنفتی با کشورهای همسایه، منطقه و جهان، میزان مشارکت ایران در ساخت پروژه‌های صنعتی کشورهای همسایه، منطقه و جهان، میزان بهره‌برداری از میدان‌های مشترک نفت و گاز با کشور عراق، میزان بهره‌برداری از میدان‌های مشترک نفت و گاز با کشور عراق) تبیین و ضریب مسیر ۰/۹۰۸ نشان می‌دهد که رابطه مثبتی بین این دو متغیر وجود دارد و اگر مؤلفه اقتصادی یک واحد افزایش یابد به شرط ثابت نگه‌داشتن سایر عوامل ژئوپلیتیک، علائق ژئوپلیتیک کشور در فرامرزها (تحقق منافع ملی در خارج از مرزها) ۰/۹۰۸ واحد افزایش خواهد یافت؛ و p -value که به صورت ۰/۰۰۰ گزارش شده است، نشان می‌دهد که این رابطه با اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار است؛ بنابراین از مؤلفه اقتصادی به عنوان یکی از مؤلفه‌های بعد علائق ژئوپلیتیک کشور در فرامرزها (تحقق منافع ملی در خارج از مرزها) حمایت می‌شود.

۳. **سیاسی:** این مؤلفه از علائق ژئوپلیتیک کشور در فرامرزها (تحقق منافع ملی در خارج از مرزها) با هشت شاخص شامل (افزایش میزان نفوذ رسانه‌های ج.ا. ایران در خارج از مرزها، میزان کنترل دیتا سنترهای شبکه‌های اجتماعی خارجی، میزان موفقیت ج.ا. ایران

در جلوگیری از بی‌ثباتی منطقه پیرامونی خود توسط نظام سلطه، میزان اشاعه ارزش‌های سیاسی و فرهنگی مورد نظر انقلاب، میزان توجه به مشترکات فرهنگی و تاریخی ج.ا.ایران با کشورهای همسایه، میزان کنترل و تسلط بر اقدامات مخمل ثبات و امنیت ایران در خارج از مرزها، میزان منافع مشترک ج.ا.ایران با کشورهای همسایه، منطقه و فرمانطقه، میزان فعال‌سازی گروه‌های همسو ج.ا.ایران تأثیرگذار در منطقه) تبیین و ضریب مسیر ۰/۹۰۵ نشان می‌دهد که رابطه مثبتی بین این دو متغیر وجود دارد و اگر مؤلفه سیاسی یک واحد افزایش یابد به شرط ثابت نگه‌داشتن سایر عوامل ژئوپلیتیک، بعد علائق ژئوپلیتیک کشور در فرامرزها (تحقق منافع ملی در خارج از مرزها) ۰/۹۰۵ واحد افزایش خواهد یافت؛ و p -value که به صورت ۰/۰ / ۰ گزارش شده است، نشان می‌دهد که این رابطه با اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار است؛ بنابراین از مؤلفه سیاسی به عنوان یکی از مؤلفه‌های علائق ژئوپلیتیک کشور در فرامرزها (تحقق منافع ملی در خارج از مرزها) حمایت می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مؤلفه‌ها و شاخص‌های بعد علائق ژئوپلیتیک کشور (تحقق منافع ملی در خارج از مرزها)

منظور از علائق ژئوپلیتیک در این مقاله کلیه عوامل ژئوپلیتیک یک واحد جغرافیایی در خارج از کشور است که منافع ملی را تأمین و یا مکمل می‌کند؛ بنابراین مهم‌ترین مؤلفه‌های این بعد به شرح ذیل است.

(۱) **مؤلفه طبیعی:** از نگاه جامعه آماری این تحقیق این مؤلفه با سطح اطمینان ۹۹٪ بر بعد علائق ژئوپلیتیک کشور (تحقق منافع ملی در خارج از مرزها) مؤثر بوده و معنادار می‌باشد. همچنین این مؤلفه توسط ۳ شاخص سنجیده می‌شود. جامعه آماری تحقیق ترتیب شاخص‌های این مؤلفه را به شرح ذیل اولویت‌بندی نموده‌اند.

✓ میزان کسب منافع حق‌آبه ج.ا.ایران. از رودخانه‌های مرزی؛

✓ میزان توجه به آلودگی‌های زیست‌محیطی که سرمنشأ خارجی دارند مثل ریزگردها؛

✓ توجه به دست‌کاری احتمالی اقلیم توسط صاحبان قدرت؛

(۲) **مؤلفه اقتصادی:** جامعه آماری تحقیق اعتقاد دارد که این مؤلفه با سطح اطمینان

۹۹٪ بر علائق ژئوپلیتیک کشور (تحقق منافع ملی در خارج از مرزها) مؤثر و نقش‌آفرین است. همچنین این مؤلفه توسط ۷ شاخص تبیین شده که نتایج تحقیق نشان می‌دهد

هر کدام از شاخص‌ها از همبستگی بالایی با مؤلفه اقتصادی دارند. از دید صاحب‌نظران تحقیق این شاخص‌ها به ترتیب ذیل بر مؤلفه موصوف اثرگذارند.

- ✓ میزان افزایش شبکه‌های ترانزیتی (زمینی، هوایی و دریایی)؛
 - ✓ میزان مشارکت ایران در ساخت پروژه‌های صنعتی کشورهای همسایه، منطقه و جهان؛
 - ✓ میزان دسترسی به بازارهای فروش نفت؛
 - ✓ میزان مشارکت ایران در خطوط انتقال انرژی؛
 - ✓ میزان روابط تجاری غیرنفتی با کشورهای همسایه، منطقه و جهان؛
 - ✓ میزان تأثیرگذاری ایران بر اوپک؛
 - ✓ میزان بهره‌برداری از میدان‌های مشترک نفت و گاز با کشور عراق
- بهره‌برداری از میدان‌های مشترک نفت و گاز با کشور عراق؛

۳) مؤلفه سیاسی: از دید جامعه‌مورد مطالعه این مؤلفه با سطح اطمینان ۹۹٪ بر علائق ژئوپلیتیک کشور (تحقق منافع ملی در خارج از مرزها) اثرگذار و معنادار می‌باشد. همچنین جامعه‌آماری تعداد ۸ شاخص این مؤلفه را به ترتیب ذیل مورد تأیید قرار داده‌اند.

- ✓ میزان کنترل دیتا سنترهای شبکه‌های اجتماعی خارجی؛
- ✓ میزان اشاعه ارزش‌های سیاسی و فرهنگی موردنظر انقلاب؛
- ✓ میزان منافع مشترک ج.ا. ایران با کشورها همسایه، منطقه و فرامنطقه؛
- ✓ میزان موفقیت ج.ا. ایران در جلوگیری از بی‌ثباتی منطقه پیرامونی خود توسط نظام سلطه؛
- ✓ میزان کنترل و تسلط بر اقدامات مخمل ثبات و امنیت ایران در خارج از مرزها؛
- ✓ میزان توجه به مشترکات فرهنگی و تاریخی ج.ا. ایران با کشورهای همسایه؛
- ✓ میزان نفوذ رسانه‌های ج.ا. ایران در خارج از مرزها؛
- ✓ میزان فعال‌سازی گروه‌های همسوج.ا. ایران تأثیرگذار در منطقه؛

از دید جامعه‌آماری البته میزان رابطه علائق ژئوپلیتیک با قدرت بازیگری کشور بیش از ۹۰٪ بوده و این عدد نیز بیانگر همبستگی بسیار مطلوب، مثبت و مستقیمی این دو با یکدیگر دارند. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که میزان افزایش اشتراکات علائق ژئوپلیتیک ج.ا. ایران با علائق ژئوپلیتیک سایر کشورها بر تقویت و ضریب امنیتی کشور مؤثر است.

در فرایند تحقیق مشخص شد که مؤلفه اقتصادی مهم‌ترین مؤلفه‌ی علائق ژئوپلیتیک بوده و معمولاً مؤلفه سیاسی به دنبال تکمیل منافع ملی و کسب علائق اقتصادی هستند.

واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد که سیستم و سازه‌های ژئوپلیتیکی برای توسعه و پیشرفت باید از حالت استاتیکی خارج و پویا شوند و این پویایی تابعی از توسعه اقتصادی و تعاملات با محیط فرامرزها است. زیرا سیستم‌های استاتیکی به فرسایش ژئوپلیتیکی (نابودی ظرفیت‌های جغرافیایی) خود کمک می‌کنند و چون توانمندی ژئوپلیتیکی خود را از بین برده‌اند، قدرت بازیگری خود را در هندسه قدرت پیرامونی، منطقه‌ای از دست داده لذا قادر به شکار فرصت‌های ژئوپلیتیکی برای توسعه و پیشرفت سرزمین خود در محیط خارج از آن نیستند.

قدردانی

از دانشکده دفاع ملی تحقیقات نظری پیگیری‌ها و هماهنگی‌های لازم جهت برگزاری جلسات خبرگی پژوهش حاضر و نیز کلیه اندیشمندان، اساتید و پژوهشگرانی که در خلال تحقیق خالصانه دیدگاه‌ها و نقطه نظرات علمی و کارشناسی خود را ارائه نمودند و همچنین از زحمات خالصانه و صادقانه مسئولین فصلنامه تشکر و قدردانی می‌گردد.

منابع

- افشون، تورج؛ الله کرم، عبدالحسین، (۱۳۹۷)، مقایسه رویکرد امنیتی آمریکا و حشد شعبی در عراق؛ عملکرد و چشم انداز، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، تابستان، شماره ۴۲.
- خلفی مهدی، (۱۳۹۵)، حشدالشعبی بسیج مردمی عراق، ماهنامه پاسار اسلام، شماره ۴۱.
- رضازاده، پرویز (۱۳۹۹)، کانون‌های خارجی ریزگردهای کشور، نشریه علمی هواشناسی کشاورزی، دوره ۸
- سلیمی بروجنی، مجید (۱۳۹۵)، مزیت‌های جاده ابریشم جدید برای ایران، فصلنامه اقتصاد سیاسی، شماره ۴۷.
- قربانی، مژگان؛ سوری، سرور، (۱۳۹۵)، انقلاب یمن؛ فرصت‌ها و چالش‌های ایران بر اساس مدل راهبردی SWOT، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، ۵(۱۰).

- کیانی، مهرداد و ابوالفتحی، داریوش (۱۳۹۴)، الگوهای حرکتی جریان بادهای غالب و پیامدهای محیط‌زیستی آن‌ها در ارتباط با استقرار ساختمان‌ها و معابر شهری: مطالعه موردی شهر نهاوند در غرب ایران، فصلنامه انسان و محیط‌زیست، شماره ۳۲.
- میلانی، میثاق (۱۳۹۵) خطوط انتقال انرژی به شرق آسیا، فصلنامه اقتصاد سیاسی، شماره ۴۷.
- بیک‌بیلندی، علی‌اصغر (۱۳۹۵)، تأثیر عوامل ژئوپلیتیک دریای خزر و تأثیر آن بر راهبردهای دفاعی ج.ا.ایران، رساله دکتری، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، دانشکده دفاع ملی
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۴۰۱)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ سوم مشهد، انتشارات پاپلی.
- خدقلی پور، علیرضا (۱۳۹۶)، ابتکار کمر بند راه چین و تأثیر آن بر منافع ملی ج.ا.ایران، تهران، دانشکده جغرافیا.
- دادگران، سید محمد (۱۳۹۵)، مبانی ارتباط جمعی، تهران نشر مروارید و فیروزه چاپ دهم.
- زهرائیان، سیده سادات (۱۳۹۶)، نقش شبکه‌های جمعی در ارتباطات امروزی، اصفهان، نشر نوین.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۹۶)، تحلیلی بر توزیع جغرافیایی جمعیت ایران، تهران، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران.
- صاغری، سعید (۱۳۹۶)، قدرت نفت در اقتصاد و چالش‌های نفتی ایران، تهران نشر نوین.
- صفوی، سیدیحیی و بیک‌بیلندی، علی‌اصغر و ریوندی رضا، (۱۴۰۰)، ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیک کشور در سطح منطقه، تهران، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- علیزاده، امین (۱۳۹۳)، هوا و اقلیم‌شناسی مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی
- گزارشات موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی (آبان ۱۳۹۷)، تحولات بازارهای نفت و گاز، تهران، پژوهشکده وزارت نفت.
- محمدرضا، زهراء (۱۳۹۷)، عملکرد مثبت و منفی کنفرانس اسلامی، اصفهان، انتشارات سمیه.
- نوروزانی، شهرام (۱۳۹۳)، نقش‌آفرینی عوامل ژئوپلیتیک افغانستان، انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.

- بیک بیلندی، علی اصغر (۱۳۹۸)، عوامل ژئوپلیتیک دریای خزر و تاثیر آن بر راهبردهای ج.ا.ایران، تهران، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- جهانشاهی، علی (۱۳۹۷)، رساله دکتری، راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران در منطقه شمال شرق با تأکید بر نقش عوامل ژئوپلیتیکی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، دانشکده دفاع ملی.
- کلانتری، فتح‌الله، (۱۳۹۵)، نقش عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی بر راهبردهای دفاعی - امنیتی ج.ا.ایران در مقابل تهدیدات از مبدا سرزمینی عراق، رساله دکتری، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، دانشکده دفاع ملی.
- Bargard. G. (2019), Communication in social networks and economic development, University of Vancouver
- Clark. G. (2021), Artificial climate change is possible, University Of Amsterdam
- Emaduddin. S (2016), fine dust and the environment, Al-Rashid University
- Jones. D. (2019), political geography, University Of Amsterdam
- Jiang. S. (2015), Silk Road, the way of sustainable development of East Asia and Central Asia
- Samron. N. (2020), Meteorology with a military approach and political goals, University of Montreal, the Faculty of Meteorology Journal